

مصاحبه با مازیار رازی

## فعالیت مخفی و علنی



اعتصاب کارگران هفت تپه آذر ۱۳۹۶. روش نوین کارگری برای تداوم مبارزات کارگری علیه سرمایه داری

سؤال: رفیق مازیار رازی یکی از مسائلی که امروز بسیار حائز اهمیت است مساله حزب پیشتاز انقلابی است که شما مقالاتی در این رابطه نوشته اید و یکی از سوالاتی که در این رابطه مطرح می باشد این است که:

آیا حزب در شرایط فعلی می تواند کار توده ای نماید و اساساً رابطه بین کار مخفی (که کار اقلیتی از پیشگام یا پیشتاز است) با کار توده ای چگونه می باشد؟ و اساساً این دو فعالیت را چگونه می شود با هم پیوند داد؟

مازیار رازی: در ابتدا باید ذکر کنم که: هدف اصلی هر حزب انقلابی در واقع کار میان توده های زحمتکش و توده های کارگر است، یعنی اگر حزبی فعالیت مستمر و مداوم در درون بخش های عمده توده ها نداشته باشد آن حزب در واقع فاقد ارزش می باشد. در نتیجه هدف اصلی یک حزب انقلابی فعالیت در میان توده ها است.

این یکی از موضوع های اصلی است که می خواستم به آن اشاره کنم چون در شرایط کنونی ما شاهد این هستیم که احزاب متعددی در خارج یا احیاناً در داخل در آتیه ساخته خواهد شد، که اینها احزابی هستند که ارتباط مستقیم و ارگانیک با توده های زحمتکش ندارند و از این زاویه اینها در واقع به شکل قیم مآبانه یا از بالا خواهان این هستند که رهبری توده ها را به دست بیاورند در صورتی که حزب طبقه کارگر یا حزب پیشتاز انقلابی باید فعالیت اصلی و هدف اصلی آن در میان توده ها باشد.

اعضا و فعالین این حزب باید متشکل از توده های کارگر از فعالین پیشروی طبقه کارگر باشد و از این لحاظ حزبی که ما از آن صحبت می کنیم حزب طبقه کارگر حزبی است که در میان طبقه کارگر متولد می شود و در بطن مبارزات روزمره طبقه کارگر فعالیت خود را گسترش می دهد و از درون طبقه کارگر فعالینی را به داخل خود جلب می کند.



اما از سوی دیگر مشکلی که ما در مقابل خودمان در کشورهای نظیر ایران داریم، این است که دولت سرمایه داری ایران یک دولت اختناق آمیز و ارباب گر می باشد که به هیچ وجه کار متشکل توده ای طبقه کارگر را اجازه نمی دهد و اگر هم تشکل هائی از طبقه کارگر یا تشکل هائی از جنبش دانشجویی بوجود آید دولت به اشکال مختلف از طریق نهادهای مختلف دخالت در این تشکل ها را به عهده می گیرد و آنها را از مسیر اصلی خود خارج می نماید.

بنابراین ما در جامعه ای نظیر ایران با یک دوگانگی و تناقض روبرو هستیم از یک سو به عنوان نیروهای انقلابی و نیروهای سوسیالیست انقلابی خواهان الحاق به توده های وسیع هستیم و خواهان تشکیل و همراهی با پیشرو کارگری برای بوجود آوردن حزب طبقه کارگر هستیم و از سوی دیگر در مقابل دولتی قرار داریم که تمام حرکت های طبقه کارگر را در نطفه خاموش می کند. رهبران را دستگیر و اعدام و در واقع امر دخالت گری را متوقف و مسدود می نماید. بنابراین مسأله ای که در برابر ما وجود دارد این است که چگونه این تضاد و تناقض را می توانیم حل کنیم.

در محور این بحث مسأله ساختن حزب پیشتاز انقلابی طرح می شود. حزب پیشتاز انقلابی، حزب توده ها نیست حزب پیشتاز انقلابی به منظور جلب توده های وسیع طبقه کارگر یا اقشار پیشرو کل جامعه بوجود نمی آید چون چنین حزبی اصولاً قادر به فعالیت سیاسی درون جامعه ای نظیر ایران نخواهد بود این حزب اگر با پایه های توده ای بوجود آید، بلافاصله مورد سرکوب و ارباب قرار گرفته و متلاشی می شود. بنابراین حزبی که مد نظر ماست (حزب پیشتاز انقلابی) حزب پیشرو طبقه کارگر است.

حزبی است که متشکل از متعهدترین و منضبط ترین عناصر طبقه کارگر بوجود می آید و آنها امر دخالت گری در طبقه کارگر را باید در خفا و به شکل غیر علنی سازمان دهند که مورد حمله و تهاجم پلیس و نیروهای انتظامی قرار نگیرند تا بتوانند ارتباطات ارگانیک خود را با طبقه کارگر برقرار کنند و برنامه ای که در دست دارند برنامه انقلابی که منتج از مبارزات طبقه کارگر در چند دهه گذشته بوده به درون طبقه کارگر برده و سازماندهی کنند.

بنابراین از یکسو ما خواهان این هستیم که با توده‌ها پیوند خورده و از سوی دیگر بدلیل ماهیت دولت، ماهیت ارباب‌آمییز دولت باید بطور مخفی و مشخصاً بطور حرکت‌های کاملاً جدا از توده‌ها سازمان‌دهی کنیم. مسأله دیگری هم به دلیل شرایطی که در ایران در مقابل خود خواهیم یافت این است که در درون تشکل‌های توده‌ای و تشکل‌های کارگری که به شکل توده‌ای عمل می‌کنند، عقاید و ایدئولوژی هیأت حاکم به راحتی رسوخ پیدا می‌کند این قابل ذکر است که دولت سرمایه‌داری همواره از طرق مختلف مشغول ارباب طبقه کارگر است. یکی از طرق ارباب رژیم، سرکوب مستقیم است که از طریق نیروهای انتظامی و دیگری از طریق گسترش عقاید فرمیستی به درون جنبش کارگری می‌باشد.

سؤال: در چنین شرایطی که شما هم ذکر کردید رژیم شروع می‌کند به ساختن یک سری تشکلات، مثلاً در جنبش جوانان ما شاهد این هستیم که مسأله پارلمان جوانان مطرح یا تشکلات مختلف که بیش از صدها تشکل می‌باشند ساخته می‌شود.



سؤال دیگری که اینجا مطرح می‌شود و سؤال مهمی نیز می‌باشد این است که: نیروهای انقلابی و نیروهای پیشرو یا پیشگام برای شرکت در این تشکلات باید چه مواردی را در نظر بگیرند اساساً آیا باید در این تشکلات شرکت نکنند و یا شرکت مشروط نمایند و اساساً چگونه باید با این مسأله بغرنج در حالی که هنوز تشکلات سراسری مستقل بوجود نیامده برخورد کنند؟

مازیار رازی: در مورد وضعیت کنونی باید ذکر کرد که در دوره آتی ما شاهد این نوع مانورها و این نوع تحولات در داخل ایران از سوی دولت سرمایه‌داری ایران خواهیم بود. دوستان مطلع هستند که دول اروپائی یعنی پانزده کشور اروپائی رفت و آمدهایی را به ایران آغاز کرده‌اند و شروطی برای متحول کردن یا مرتبط کردن اقتصاد ایران به کشورهای اروپایی تعیین و زمینه‌ریزی چپاول ایران از سوی این دولت‌ها در ماه‌های گذشته ریخته شده است.

از این نقطه نظر است که یک سلسله شروطی برای دولت ایران در نظر گرفته‌اند که به هر حال از نقطه نظر ظاهری هم که شده شاهد تحولاتی در درون جامعه خواهیم بود و یکی از این تحولات ایجاد تشکل‌های به اصطلاح

مستقل‌کاری و یا پارلمان‌دانشجویی و یا تشکل‌های دانشجویی خواهد بود. در واقع تحت شرایط کنونی ما این وضعیت را شاهد خواهیم بود. منتهی در ارتباط با این مسأله در مقابل تحولات اخیر عموماً سه موضع‌گیری مطرح می‌شود.

موضع اول این است که توده‌های انقلابی اصولاً هیچ نوع ارتباطی با این تشکل‌ها نداشته باشند و در واقع خط مشی امتناع یا بایکوت (تحریم) این تشکل‌ها را اتخاذ کنند.

خط دوم این است که اصولاً بدون پیش‌شرط‌هایی می‌توان در درون این تشکل‌های دانشجویی و یا کارگری که دولت تحت فشار دولت‌های اروپائی ایجاد می‌کند شرکت کرده و از این روزنه استفاده کرد و این نظر اعتقاد دارد این ابزاری هست که می‌تواند جنبش دانشجویی و یا جنبش کارگری را به مرحله‌نوبینی برساند. اما به اعتقاد من این دو نظر دچار انحراف و دورویی یک‌سکه می‌باشند.

مسأله‌ای که مطرح است این است: واضح است که اگر توده‌های دانشجویی در درون تشکل‌های مستقل و پیش‌ساخته‌ای که به هر حال از طرق مختلف ایجاد می‌شود شرکت نکنند، واضح است که باید خود را به این تشکلاتی که ایجاد می‌شود مرتبط کرد. و اما در ارتباط با جوانانی که امروز تحت فشارهای مضاعف قرار گرفته‌اند طبیعی است که این تشکلات جوانان و پارلمان‌جوانان و غیره روزنه‌ای ایجاد می‌کند و واضح است که نیروهای انقلابی باید خودشان را به این تکاملات و این تحولات مرتبط نکنند. از سوی دیگر شرکت در درون اینها بدون پیش‌شرط‌ها به نظر من آن هم دچار ایراد می‌باشد چون مسأله این است که دولت سرمایه‌داری با انگیزه‌ها و اهداف خود این تشکلات جوانان را بوجود می‌آورد و دنبال مقاصد خود می‌باشد.

بنابراین اگر توده‌های جوانان در سطح وسیع در این تشکل‌ها شرکت کنند می‌توانند به شکل مشروط شرکت خود را سازمان دهند یعنی از یکسو دچار انحراف تحریم و امتناع از آن نشوند و خود را از توده‌های وسیع و دانشجویانی که در آتی در این تشکلات شرکت می‌کنند منزوی نکنند، و از سوی دیگر هم در واقع تسلیم سیاست‌های رژیم و دول اروپایی نشوند. بنابر این یکی از شروطی که می‌توانند جوانان و جوانان سوسیالیست برای دخالت در این تشکل‌ها داشته باشند این است که خواهان استقلال کامل این تشکل‌ها از دولت و تمام نهادهای مرتبط به دولت باشند. اگر قرار باشد که دولت و یا نهادهای دانشجویی دولت به شکلی در این تشکل‌هایی که ساخته می‌شود اعمال نفوذ کنند به اعتقاد من شرکت در این تشکل‌هایی فایده خواهد بود. این تشکل‌ها باید در واقع کاملاً مستقل از دولت باشند و گرنه مجدداً دچار انحرافات که در گذشته هم ما شاهد آن بوده‌ایم خواهند شد.

شرط دوم شرکت در این تشکل‌ها تضمین دموکراسی درونی است، یعنی این تشکل‌ها باید مطبوعات آزاد خود را داشته باشند، باید دسترسی به رسانه‌های جمعی عمومی داشته باشند باید از رادیو تلویزیون استفاده نکنند و نظرات مشخص خود را که مرتبط به مسائل صنفی دانشجویی و جوانان می‌باشد بدون سانسور در مطبوعات منعکس نکنند و در رادیو تلویزیون آزادانه به بحث بگذارند. همچنین در واقع این تشکل‌ها باید در شان به روی تمام‌گرایش‌های نظری باز باشد.

نمی‌تواند تشکلی بوجود آید که بگوید درب آن به روی سوسیالیست‌ها و یا کمونیست‌ها بسته است و صرفاً گرایش‌های مختلف اسلامی را به درون خود قبول می‌کند. این در واقع یک تشکل غیردموکراتیک خواهد بود بنابر این ما باید اصرار بکنیم، ما باید پافشاری بکنیم شرط ورود خود را بر این بگذاریم که این تشکل‌ها اولاً دموکراتیک باشند دوماً اینکه مستقل از دولت باشند و سوماً اینکه درب این تشکلات به روی تمام‌نگرگاه‌های منعکس در جامعه باز باشد از جمله کسانی که معتقد به سوسیالیسم هستند و کسانی که معتقد به کمونیسم هستند باید بتوانند در این تشکل‌ها شرکت کنند. در غیر این صورت شرکت در این تشکل‌هایی فایده خواهد بود.